

الزامات اعتقادی و عملی کارکنان ناجا در تحقق جامعه اسلامی

محمدصادق جوشقانی^۱، سعید روستایی^۲، اژدر شمخانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

چکیده

از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به مثابه متفکر و اندیشمند اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی است و برای تحقق آن بایستی پنج مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی پشت سر گذاشته شوند که تحقق جامعه اسلامی (کشوراسلامی) چهارمین مرحله آن می باشد و داشتن اعتقادات الهی (تقوای فردی و جمعی) از الزامات آن می باشد. هدف از انجام این پژوهش، شناخت الزامات اعتقادی کارکنان ناجا در تحقق جامعه اسلامی می باشد.

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی (اسنادی) بوده است. درمقاله حاضر، با بررسی متون، کتب و مجلات مرتبط با موضوع پژوهش به بررسی الزامات اعتقادی کارکنان ناجا در تحقق جامعه اسلامی پرداخته شده است.

نتایج پژوهش نشان داد: الزامات اعتقادی کارکنان ناجا در تحقق جامعه اسلامی به دو دسته الزامات اعتقادی (نظری) و الزامات عملی تقسیم می شود. الزامات اعتقادی کارکنان عبارتند از: ایمان به خدا - تقوا - توکل - معادباوری یا آخرت گرایی و الزامات عملی نیز شامل امر به معروف و نهی از منکر - اقامه نماز - تلاوت و حفظ قرآن کریم - دعا و ... می باشد.

واژگان کلیدی: الزامات اعتقادی، سلامت معنوی، جامعه اسلامی، ایمان، توکل.

۱- سطح سه حوزه علمیه قم

۲- کارشناس ارشد حسابداری

۳- کارشناس ارشد علوم تربیتی. دانشگاه شهید بهشتی تهران (نویسنده مسؤول) Email: azhdarshamkhani@yahoo.co

مقدمه

"ایجاد جامعه اسلامی"، مرحله چهارم از نقشه راه انقلاب اسلامی است که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ترسیم شده است. از سال ۱۳۷۹ که ایشان نقشه راه انقلاب اسلامی را در ۵ مرحله و گام تعریف و تشریح کردند، در مناسبت‌های مختلف و عمدتاً در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی و نیز در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروهای مسلح، شاخص‌ها، معیارها و الزامات تحقق "کشور اسلامی" را بیان کرده‌اند. این الزامات و شاخص‌ها در واقع گویای وظایف و نقش دستگاه و مسؤولین در تحقق کشور اسلامی است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، یک مجموعه بزرگ از نهادها و دستگاه‌های نظامی، انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران هستند که جایگاه مهمی در نظام و جامعه اسلامی داشته و به دلیل ارتباط نزدیک با مردم و کارویژه‌های مهمی که در رابطه با نیازهای حیاتی مردم، یعنی برقراری امنیت و استقرار نظم و قانون دارند، نقش مهمی در ایجاد و ساختن کشور اسلامی مدنظر مقام معظم رهبری دارند. رفتار و منش نیروهای مسلح، مبین چهره و تصویر دولت اسلامی خواهد بود و می‌تواند نظرها را به سوی این دولت جلب کند یا از آن دور سازد؛ چرا که نیروهای مسلح هر کشور نماد حاکمیت آن کشور هستند و هر رفتاری از آن‌ها جاری و ساری شود، به حساب نظام و حاکمیت گذاشته می‌شود.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مسیر دستیابی به اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، یک نقشه راه ۵ مرحله‌ای ترسیم کرده‌اند که عبارتند از: ایجاد انقلاب اسلامی، ایجاد نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی، ایجاد جامعه اسلامی

و در نهایت، ایجاد تمدن جهانی و بین‌المللی اسلامی. ایجاد کشور اسلامی، مرحله و گام چهارم از مجموعه گام‌های کلی انقلاب اسلامی در راه رسیدن به اهداف و آرمان‌ها و تحقق نقشه راه انقلاب اسلامی است. برای تحقق هر یک از مراحل و گام‌های پنجگانه نقشه راه انقلاب اسلامی، الزاماتی وجود دارد که خاص آن مرحله است. به‌طور طبیعی، مرحله چهارم از نقشه راه انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد کشور اسلامی نیز شاخص‌ها و ویژگی‌هایی دارد که تحقق کشور اسلامی منوط به ایجاد آن شاخص‌ها و ویژگی‌ها در کارگزاران حکومتی، از جمله در فرماندهان و آحاد کارکنان نیروهای مسلح از جمله کارکنان ناجا است. این کار به تحقق کشور اسلامی کمک می‌کند. یکی از الزاماتی که می‌تواند در تحقق جامعه اسلامی بسیار تأثیرگذار باشد "الزامات اعتقادی" کارکنان ناجا می‌باشد که می‌توان از آن به‌عنوان "سلامت معنوی" ۱ نیز یاد کرد. سلامت معنوی، یکی از ابعاد چهارگانه سلامت است و تقریباً نیم قرن است که مورد توجه دانشمندان و روان‌شناسان قرار گرفته است. درحالی که در تمام تعالیم دینی و الهی، از همان ابتدای خلقت، توجه به تمام ابعاد وجودی انسان، مورد نظر و تأکید بوده است، مفهوم "سلامت معنوی" تا همین چند دهه پیش، مورد غفلت بسیاری از روان‌شناسان و دانشمندان بود و ایشان فقط به سه بعد جسمی، روانی و اجتماعی در موضوع سلامت توجه می‌نمودند تا این‌که "موبرگ" ۲ در سال ۱۹۷۱، مفهوم سلامت معنوی را مطرح کرد و بعد از آن بود که این مبحث، توجه اندیشمندان علم روان‌شناسی را به خود معطوف کرد.

ضرورت بحث از سلامت معنوی، زمانی نمایان می‌شود که علت بسیاری از بیماری‌های روانی و حتی مشکلات جسمی و بدنی، به نبود سلامت معنوی

1-Spiritual Health

2-Moberg

مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر، براساس نتایج حاصله از تحقیقات و پژوهش‌های محققان، یکی از زمینه‌های عمده بیماری‌ها و مشکلات روانی و عوارض جسمی و اجتماعی آن‌ها، احساس پوچی و بیهودگی است و این احساس، ناشی از فقدان بعد معنوی سلامت در افراد است. دانشمندان در دهه‌های اخیر متوجه شدند که تعریف سلامت، دارای نقیصه‌ای بزرگ است و تأکید بیش از حد بر جنبه‌های مادی آن، موجب غفلت از بعد بسیار مهم و اساسی دیگر آن، یعنی بعد روحانی و معنوی سلامت شده است. بعد معنوی و روحانی بهداشت، به اعتقاد فرد، به وجود نیروهای معنوی و طبیعت خاص و روش عملکرد این نیروها بستگی دارد (آیت‌اللهی، ۱۳۷۰) هدف‌دار بودن زندگی، پایبندی اخلاقی، تعاون، داشتن حسن‌ظن و توجه بیشتر به مسایل معنوی در زندگی، باعث کاهش اضطراب و تزلزل روحی و عوارض ناشی از آن‌ها می‌شود. از این‌رو، تقویت جنبه معنوی، به سلامت جسم و روح افراد و در نهایت، سلامت جامعه بزرگ بشری، کمک بسزایی خواهد کرد. در اهمیت پژوهش نیز می‌توان گفت که انجام این پژوهش یکی از الزامات (الزامات اعتقادی) تحقق مرحله چهارم نقشه راه انقلاب اسلامی یعنی ایجاد کشور اسلامی را در ناجا تبیین کرده و زمینه رشد و بالندگی سازمانی را فراهم می‌آورد و عدم انجام چنین پژوهشی ممکن است ما را دچار فراموشی هدف، بی‌توجهی به اهمیت و حساسیت این مرحله از نقشه راه انقلاب اسلامی و نیز نقش تعیین‌کننده ناجا در رسیدن به اهداف و مراحل نقشه راه از جمله تحقق کشور اسلامی کند.

سؤالی که در این زمینه پیش می‌آید، این است که الزامات اعتقادی و عملی

کارکنان ناجا در تحقق جامعه اسلامی کدامند؟

اهداف انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

مرحله اول: انقلاب اسلامی

«برای این که این کار تحقق پیدا کند، در درجه اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای این که بنای ضایع، پوسیده، کج و بدبنیان رژیم‌های استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۸۴/۵/۲۸).

مرحله دوم: تشکیل نظام اسلامی

«انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۷۹/۹/۱۲).

مرحله سوم: تشکیل دولت اسلامی

"این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه" (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۷۹/۹/۱۲).

مرحله چهارم: تشکیل کشور اسلامی

«مرحله چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به

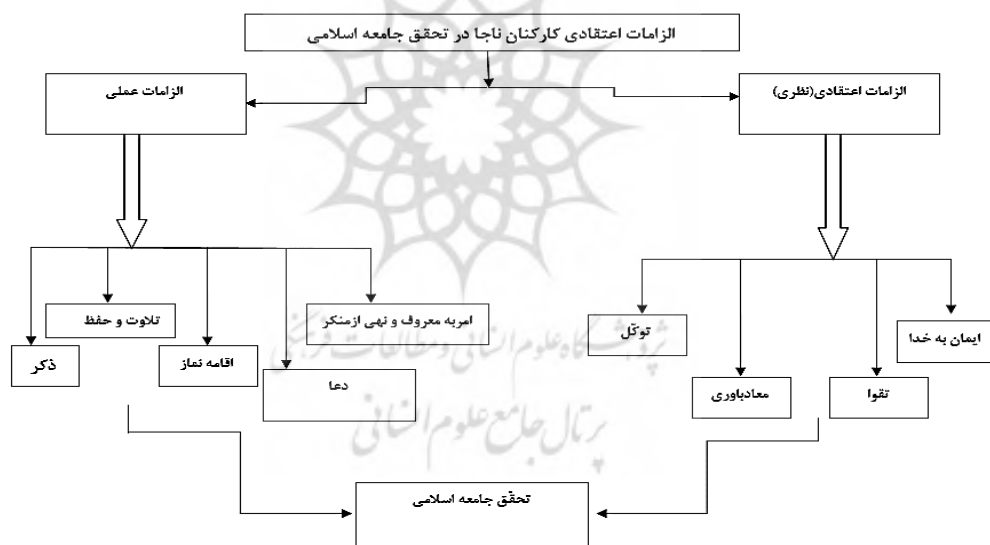
تدریج ریشه کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۷۹/۹/۱۲).

مرحله پنجم: تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی

آخرین مرحله از نقشه راه انقلاب اسلامی، مرحله پنجم یا تشکیل تمدن جهانی و بین‌المللی اسلامی است. در این مرحله است که انقلاب اسلامی بعد از توفیقات داخلی، موفق می‌شود بازتاب بیرونی پیدا کرده و نمونه‌های خارجی خود را به وجود آورد. مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در تشریح و تبیین این مرحله می‌فرمایند: «از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۷۹/۹/۱۲).

سلامت معنوی: واژه سلامت، در لغت به معنای بی‌گزند شدن، بی‌عیب شدن، آرامش و امنیت است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۷۰۴). سلامت معنوی عبارت است از برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، دیگران و خود که طی یک فرایند پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی و کنشی حاصل می‌آید (ابوالقاسمی، ۱۳۹۱: ۵۷). سلامت معنوی عبارت است از حالت اطمینان، امنیت، آرامش و سکون قلبی و روحی که از اعتقاد و اعتماد به منبع و قدرتی برتر و متفاوت از عوامل مادی و پیرامونی ناشی می‌شود و باعث افزایش امید، رضایت‌مندی و نشاط درونی می‌گردد و در نهایت به سلامت و تعالی همه‌جانبه انسان و انسانیت کمک می‌کند. سلامت معنوی، وضعیتی است دارای مراتب گوناگون که در آن متناسب

با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرد، بینش، گرایش و توانایی لازم برای تعالی روح که همان تقرب به خدای متعال است فراهم است، به گونه‌ای که همه امکانات درونی، به طور هماهنگ و متعادل می‌تواند در جهت هدف کلی مزبور به کار گرفته شود و همراه با امکان انتخاب، رفتارهای اختیاری درونی و بیرونی متناسب با آن‌ها نسبت به خدا، فرد، جامعه و طبیعت ظهور می‌یابند. سلامت معنوی وضعیتی هدفمند و معنادار از حیات انسانی است که حاصل ایمان و اعتقاد و ارتباط فرد با قدرت و کمال بی‌نهایت الهی و زندگی ابدی پس از مرگ است (عزیزی، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۱).



شکل شماره (۱) مدل مفهومی تحقیق (۱۳۹۸)

روش تحقیق

تحقیق به لحاظ هدف کاربردی می‌باشد و برای دستیابی به اهداف پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی (اسنادی) و در سه مرحله: تامل درمساله، گردآوری داده‌ها و تحلیل داده استفاده شده است. به این منظور، در مقاله حاضر با شناسایی و بررسی و واکاوی ادبیات موجود، متون کتب، مجلات، مقالات و سایت‌های معتبر علمی مرتبط با موضوع پژوهش تلاش شده است به صورت هدفمند به بررسی الزامات اعتقادی کارکنان ناجا در تحقق جامعه اسلامی پرداخته شود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات هم فیش‌برداری بوده است.

یافته‌های تحقیق

در پاسخ به سؤال تحقیق: الزامات اعتقادی کارکنان ناجا در تحقق جامعه اسلامی کدامند؟ این الزامات عبارتند از:

الف) الزامات اعتقادی (نظری):

۱- ایمان به خدا: ایمان "تسلیم شدن، توأم بااطمینان خاطر" معنا شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۲۵). طبرسی نیز می‌گوید: «علما اتفاق نظر دارند بر این که ایمان به معنای تصدیق است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۳)، تفسیرالمیزان ایمان را استقرار اعتقاد در قلب می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۷۳)، راغب اصفهانی نیز ایمان را تصدیق توأم بااطمینان خاطر معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۱: ۹۰)، ایمان به معنای باور و اعتقادی است که به طور عمیق در وجود انسان رسوخ می‌یابد. از این رو، جایگاه ایمان نه در قشر وجود آدمی، بلکه در عمق وجود اوست (باقری، ۱۳۸۷: ۱۲۰). براساس آیات قرآن و روایات، بهترین معنای ایمان، همان "تسلیم بودن یا تصدیق" است؛ زیرا قرآن کریم آنانی را که اعتقاد دارند، ولی تصدیق نمی‌کنند، کافر می‌شمارد. مثلاً درباره فرعون و قوم او

می فرماید: فرعونیان عقیده داشتند معجزات حضرت موسی (ع) از جانب خداست، ولی تسلیم باور خود شدند و اقرار نکردند: «وَجَحَلُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ غُلُوبًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (نمل/۱۴). و با آن که دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس ببین فرجام فسادگران چگونه بود». در آیه ۱۰۲ سوره اسراء نیز تأکید شده است که فرعون باور داشت این آیات از جانب خداست ولی تسلیم نبود «قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَا مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا» موسی گفت: «مسلماً تو می‌دانی این معجزه‌ها را که بصیرت آور هستند، جز پروردگار آسمان‌ها و زمین نازل نکرده است، و ای فرعون! قطعاً من تو را هلاک شده می‌پندارم» (اسراء/۱۰۲). شیطان نیز به خدا باور داشت و می‌گفت «...خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ...» (اعراف/۱۲). یا می‌گفت: «رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي» (حجر/۳۹). خدا را خالق و رب خود خطاب می‌کرد؛ به معاد عقیده و باور داشت و می‌گفت: «...أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (اعراف/۱۴). به انبیاء نیز معتقد بود می‌دانست در میان عباد...المخلصین راهی ندارد و آن‌ها را نمی‌تواند بفریبد: «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (حجر/۴۰). اما با این همه عقایدی که داشت: «...أَبِي وَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره/۳۴). براساس این آیه آنچه شیطان را با کفار هم ردیف می‌کند، نداشتن عقیده و باور نیست؛ که او باور داشت؛ بلکه تسلیم نبودن در برابر فرمان الهی باعث شد خدا او را کافر خطاب کند. خدا در قرآن کریم خطاب به مؤمنین می‌فرماید: "خدا را یاد کنید؛" بنابراین، یکی از ویژگی‌های آنانی که خدا را یاد می‌کنند، ایمان است لذا، می‌توان ایمان را به عنوان یکی از راهبردها و عوامل مؤثر در سلامت معنوی نامید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (احزاب/۴۱). "ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را

یاد کنید، یاد بسیار». ایمان، به معنای اعتقاد قلبی به خدا، نشانه بندگی و اطاعت از خدا است، فرد مؤمن در پناه اعتقاد قلبی که در قلب خود دارد، به امنیت خاطر رسیده است که دیگر از هیچ قدرت و نیرویی، ترسی و هراسی به دل راه نمی‌دهد، در مقابل هیچ کس سر تسلیم فرو نمی‌آورد و احساس ارزشمندی دارد.

ایمان به‌عنوان اولین و شاخص‌ترین عامل دستیابی به سلامت معنوی، دارای ارکانی است که عبارتند از: باور قلبی، بیان زبانی و در نهایت عمل به همان باورها. امام علی(ع) ایمان را با ۳ مشخصه اصلی تعریف فرموده است «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ - وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ». ایمان، شناختن به دل است و اقرار به زبان و با اندام‌ها بردن فرمان. (نهج البلاغه/حکمت ۲۲۷). تحلیل محتوای تفاسیر آیاتی که به ایمان می‌پردازند نیز نشان می‌دهد حقیقت ایمان همین دو کلمه "سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا" است. براساس جمله پایانی آیه که می‌فرماید: "وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ" تسلیم بودن مومنان در برابر ندا و داوری خدا و رسول او باعث می‌شود آن‌ها رستگاران واقعی باشند و طبق آیه ۹ سوره مبارکه یونس "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ" آن‌ها به ایمانشان هدایت شوند. هدایت به ایمان یعنی مومنان هرچه در برابر اراده الهی بیشتر تسلیم شوند، ایمانشان بیشتر تقویت می‌شود و تقویت ایمان برتسلیم بودن آن‌ها در برابر اراده الهی می‌افزاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۳۹). پس می‌توان نتیجه گرفت عامل اصلی موفقیت نیروی انتظامی در انجام مأموریت‌ها، وجود کارکنان و نیروهای با ایمان است، که با تمام توان در مقابل تحرکات دشمنان واکنش سریع نشان می‌دهند.

۲- **تقوا:** تقوا از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است که تأثیر فراوانی در اخلاق فردی و اجتماعی انسان دارد. در قرآن کریم ۲۵۳ مرتبه به این ویژگی نیکو و انسان‌ساز اشاره شده است که بیان‌گر اهمیت و ارزش تقوا در زندگی فردی و اجتماعی انسان است. تقوا به قدری ارزش دارد که خداوند متعال آن را معیار کرامت انسان یاد کرده و می‌فرماید: "...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ..." (حجرات/۱۳) "... به یقین گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست...". با توجه به مفاهیم آیات قرآن کریم و توصیف خدا از متّقین، به این مهم پی می‌بریم که تقوا نیز از دیگر عواملی است که باعث ایجاد آرامش و سلامت روح و جان برای صاحب خود می‌شود؛ خداوند در آیات آغازین سوره بقره، متّقین را چنین معرفی می‌نماید: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ" (بقره/۳) متّقین کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پا می‌دارند و از آن چه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند" پس متّقین عبارتند از مؤمنین، یعنی تقوا از اوصاف و ویژگی‌های طبقه معینی از مؤمنین نیست و این‌طور نیست که تقوا، صفت مرتبه‌ای از مراتب ایمان باشد که دارندگان مرتبه پایین‌تر، مؤمن بی‌تقوا باشند. در نتیجه، تقوا مانند احسان و اخبات (اطمینان) و خلوص، یکی از مقامات ایمان نیست، بلکه صفتی است که با تمامی مراتب ایمان جمع می‌شود، مگر آن که ایمان، ایمان واقعی نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۹۹: ۱). کلمه تقوا از نظر لغوی به معنای صیانت و حفاظت است و از نظر اصطلاحی، یعنی حفاظت و نگهداری نفس از آن چه به آن ضرر می‌رساند. (میرتاج‌الدینی، ۱۳۶۹: ۳۶). تقوا در نگاه اهل بیت (ع) بندگی خدا و نگهداشتن حریم برای حضرت حق است. از امام صادق (ع) سؤال شد تقوا چیست؟ حضرت فرمود: "أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ"

نَهَاكَ"، حقیقت تقوا این است که خدا تو را در جایی که امر کرده غایب نیند. (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۲۰). آیت ... طالقانی، تقوا را به منزله وجدان آگاه فرد تلقی می‌کند که او را بر تمایلات و شهوات خود مسلط می‌سازد و از تجاوز به حدود دیگران منع می‌کند (طالقانی، ۱۳۵۸: ۵۴). هنگامی که باورهای ایمانی یک انسان شکل می‌گیرد و وحدانیت، رسالت و معاد را تصدیق می‌نماید، زیربنای تقوا شکل گرفته، پرهیزگاری پیشه می‌کند. بنابراین، تقوا مرحله کاربردی ایمان است که در بسیاری از متون و عبارات ائمه معصوم (ع) به "تقوی الله" یاد شده است، چرا که تقوا بدون پشتوانه الهی می‌تواند در هر جامعه‌ای به شکل‌های مختلف ظهور و بروز کند، اما ارزشی نخواهد داشت؛ مانند رفتار مرتاضان هندی، بودائیان و دیرنشینان: "وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا". "و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند. و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امر او را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است" (طلاق / ۴-۲).

۳- معادباوری: با وجود پیشرفت‌های مادی در جوامع امروزی و فراهم بودن همه‌گونه وسایل رفاه و آسایش ظاهری، شاهدیم بسیاری از انسان‌ها آرامش روحی و روانی ندارند، یأس و ناامیدی، بی‌هویتی، پوچ‌گرایی، بی‌هدفی و سرگردانی در بین ایشان موج می‌زند. عده‌ای سرگرم هوس‌رانی خود هستند و با غرق شدن در لذات و خوشی‌های مادی، خود را به فلاکت و مرگ روحی می‌کشاند، اما از آرامش بهره‌ای نمی‌برند. این‌ها همه ریشه در غفلت انسان از خود، نیازهای فطری، جدایی از خدا و معنویت و به فراموشی سپردن مرگ و

حیات پس از آن دارد که انسان جاهل را سرگرم دنیا و زیبایی‌های ظاهری آن کرده است و بنا به فرمودهٔ علامه طباطبایی: "دلیل گرفتاری‌های انسان در اثر پیروی از شیطان و هوای نفسانی حاصل می‌گردد و ریشهٔ آن فریفتگی انسان به زینت حیات دنیا و دل بستن به اوهامی است که مجموعاً نظام تمدن نامیده می‌شود، یعنی هم‌یاری با اوهامی که رنگی از حقیقت ندارند" (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۶۵). در حالی که به نظر اسلام، انسان زندگی جاویدانی دارد که پایانی بر آن نیست و مرگ که جدایی روح از بدن می‌باشد، وی را وارد مرحلهٔ دیگری از حیات می‌کند که کامروایی و ناکامی در آن بر پایهٔ نیکوکاری و بدکاری در مرحلهٔ زندگی پیش از مرگ استوار است (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۲۳). ایمان به حیات پس از مرگ یکی از اصول اساسی دین اسلام است و معتقد بودن به آن برای هر مسلمانی ضروری است. علاوه بر این، حکمت و عدل خداوند و خلقت جهان، با وجود معاد یافته و اثبات می‌شود و از آن جا که آیین مقدس اسلام دعوت خود را روی سه اصل گذاشته که اعتقاد به معاد، سوم آنهاست؛ چنانچه کسی در معاد تردید داشته باشد مانند کسی است که توحید و نبوت را نپذیرد و داخل در حریم دین نشده است و از جرگهٔ مسلمین بیرون است (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۵۸). پس یکی از مهم‌ترین عواملی که برای انسان، ایجاد آرامش می‌کند، باور به روز جزا و قیامت است. انسان مؤمن باور دارد که پاداش تمام صبر و سختی‌های این دنیای فانی را خواهد دید. بنابراین، دل‌بستهٔ خوشی‌های این دنیا نخواهد شد و به جهت گرفتاری‌هایی که در معاش زندگانی خویش احساس می‌کند، مضطرب و نگران نمی‌شود. همین معادباوری زمینه‌ای است برای کسب تقوای الهی در دوری از گناهان و ظلم به دیگران: «فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» (مزمّل/۱۷). پس، اگر کافر

شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟ یاد مرگ و باور داشتن به جهانی غیر از این دنیای مادی و این که در لحظه لحظه زندگی مان خدایی است که بر اعمال و رفتار و حتی بر نیات ما ناظر است، به انسان یک امنیت خاطر می بخشد و آرامشی که هیچ چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ، وَ يَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۳۱۳) «یاد مرگ، شهوات نفس را می میراند و ریشه غفلت را از جا می کند».

۴- توکل: با توجه به این که واژه «توکل» با مشتقات مختلف خود در قرآن مجید هفتاد بار وارد شده است و این کثرت، حاکی از اهمیت این مسأله در قرآن است. "توکل در لغت یعنی کسی را وکیل قرار دادن و به او اعتماد و اتکا کردن؛ و در اخلاق یعنی انسان در پیمودن راه حق به خود تزلزل راه ندهد و مطمئن باشد که اگر در جریان زندگی، هدف صحیح و خداپسندانه را به جای منافع شخصی در نظر بگیرد، اگر فعالیت خود را متوجه انجام دادن وظیفه کند و کار خود را به خدا واگذارد، خداوند او را تحت حمایت خود قرار می دهد. معتقد به تقدیر الهی، به حکمت و رحمت و عدالت الهی نیز معتقد است؛ چنین اعتقادی است که نتیجه اش توکل و اعتماد به خداست که ترس از مرگ و ترس از فقر و بی چیزی را از میان می برد و بزرگ ترین نقطه ضعف آدمی را که ترس از نیستی یا هستی شقاوت آلود است - اصلاح می کند» (مطهری، ۱۳۷۷: ۹۹).

پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل پرسید: توکل بر خدای عزوجل چیست؟ در پاسخ گفت: این که بدانی مخلوق نه زبانی می زند، و نه سود می رساند، نه می دهد و نه جلوگیری می کند، و ناامیدی از خلق را شیوه خود ساز. پس هر گاه بنده چنین باشد به کسی جز خدا تکیه نکند، و جز برای خدا کاری نمی کند، و نمی ترسد

جز از خدا و به کسی غیر خدا چشم طمع ندارد و حرص و طمعش به خدا خواهد بود (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۳۴). با توجه به این حدیث چند صفت برای متوکلان حاصل می‌شود: ۱- علم به این که نفع و ضرر مخلوقات به دست خدا است؛ ۲- قطع امید از مخلوقات و امیدواری به خدا؛ ۳- تنها برای خدا کار کردن؛ ۴- جز از خدا نترسیدن.

ب) الزامات عملی

امربه معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گاه از این دو فریضه در کنار ایمان به خدا و آخرت یاد شده: «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/۱۱۴) و گاه پیش‌تر از برپاداشتن نماز و زکات و ویژگی مردان و زنان با ایمان شمرده شده است: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (توبه/۷۱) در نگاه معصومان (ع) نیز امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که خداوند انجامش را از پیامبران خواسته است و کسی که به انجام این برنامه الهی همت گمارد، در واقع، همگام با انبیای الهی به اجرای رسالت عظیم آنان پرداخته و به موازات آن، امنیت را در جامعه، تحقق بخشیده است چنان که امام حسین (ع) درباره فلسفه قیام خود می‌فرماید: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتِي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدَّتِي وَأَبِي» من از روی هوس و جاه‌طلبی قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در کار امت جدم قیام کردم؛ می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر و به شیوه جد و پدرم حرکت کنم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۳۳۹). امام محمدباقر (ع) هم در بیان

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَجْلُ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُتَّصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ». و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن برپا می‌شود، و راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی‌گردد، زمین آباد می‌شود (بدون ظلم) و حق از دشمنان گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۳۱۹) امام علی (ع) نیز امر به معروف و نهی از منکر را برتر از جهاد و تمام کارهای خیر دانسته و می‌فرماید: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَثَةٌ فِي بَحْرِ لُجِّي» تمامی کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست مگر در حدّ دمیدن انسان در برابر دریای خروشان (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

یکی از آسیب‌های جدی که در غیبت امر به معروف و نهی از منکر، جامعه را تهدید می‌کند بحران‌های مختلف اجتماعی است، زیرا امر به معروف و نهی از منکر بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نقش اصلاحی و نیز کنترل اجتماعی را ایفا می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت به منزله یک پوشش امن اجتماعی برای محافظت از جمعیت است؛ زیرا اگر مسأله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای وحدت اجتماعی هستند از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را از هم متلاشی می‌سازند. همچنین، بحران‌هایی که معمولاً جوامع با آن مواجه هستند، نشان از جای خالی امر به معروف و نهی از منکر دارد و از آنجایی که زندگی انسان بر پایه زندگی اجتماعی و حضور در جامعه شکل گرفته، نباید این نکته از نظر دور بماند که

زندگی اجتماعی هر فرد بر زندگی سایر افراد جامعه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد و انحطاط یک فرد نه تنها او را به نابودی می‌کشاند بلکه زندگی سایر افراد جامعه را نیز متأثر ساخته از مسیر اعتلا دور می‌سازد. (نظری‌زاده و خلیلیان، ۱۳۹۷: ۳۰۰ و مولوی ۱۳۹۵).

اقامه نماز: نماز سرود عشق و آهنگ آسمانی است، نماز سرود فضیلت و پاکی است، نماز ریسمانی است که ما را به خداوند جهان متصل می‌کند، آن نیایش و پرستش و این راز و نیاز و کمک‌خواهی در زبان قرآن نماز نامیده می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۸: ۴). تمامی مخلوقات خداوند با توجه به بضاعت خود به نحوی خالق لایزال خود را عبادت می‌کنند. اما از آن‌جا که حضرت حق نسبت به انسان عنایتی خاص داشته است و دارد علاوه بر این‌که او را مزین به نعمت عقل و زبان نموده، خلیفه و جانشین خود کرده است. لذا، وی را امر به عبادت و اقامه نماز نموده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶). جن و انس را نیافریدیم مگر برای عبادت. خداوند در قرآن کریم در بیش از ۱۲۰ آیه در سوره‌های مختلف درباره نماز، آداب، فضایل و اثرات آن نکات گوناگونی را متذکر شده است و در ۱۵ مورد به آن امر نموده است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»، نماز را برای یاد من به پا دارید (طه/۱۴). «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ» (بقره/۴۳). نماز را به پا دارید و زکات بدهید و با خداپرستان حق را پرستش کنید. «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُقِمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (حج/۳۵) همانا کسانی که وقتی نامی از خدا برده می‌شود دل‌هایشان مملو از خوف پروردگار می‌شود. آن‌ها که در برابر مصائبی که به آن‌ها می‌رسد شکینا و استوارند و آن‌ها که نماز برپا می‌دارند و از آن‌چه روزیشان دادیم انفاق

می‌کنند. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت/۴۵). نماز را برپادار زیرا نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد و یاد خدا بسیار بزرگ‌تر است.

تلاوت و حفظ قرآن: قرآن کریم آمده است تا با هدایت و راهنمایی‌های خود، دست انسان را بگیرد و به بالاترین مراتب کمال برساند. از این‌رو، بر همه مسلمانان است که با آن مانوس شده در پی شناخت هر چه بیشتر آن باشند. این ضرورت برای نیروهای مسلح نظام جمهوری اسلامی چند برابر است؛ چرا که آنان حافظ نظام اسلامی و دستاوردهای آن بوده، در سختی‌ها و مشکلات به هر میزان بتوانند از نیروی معنوی قرآن مدد گیرند، به همان میزان بهتر می‌توانند از عهده این مشکلات و نیز جنبازی در این راه برآیند. معمولاً کسی که در مقام وصیت است، چیزهایی را سفارش می‌کند که مهم و سرنوشت‌ساز باشند. یکی از وصایای رسول خدا به امیرمؤمنان علی(ع) تلاوت مستمر قرآن کریم است: «وَعَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ» در همه حال و در هر شرایطی قرآن تلاوت کن (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۸۳۹). قرآن کتاب آسمانی مسلمانان که از طرف خدا به پیامبر عظیم الشان حضرت محمد مصطفی(ص) و به‌عنوان کتاب هدایت بشر نازل شده است، و در واقع، علاوه بر کتاب پیامبر، حجّت و معجزه آن بزرگوار نیز هست. این که چرا معجزه ایشان از نوع کتاب است، طبق اعجاز پیامبران گذشته متناسب با زمان و عصر آن زمان است. از وجوه اعجاز قرآن، آن است که تا به امروز احدی حتی با کمک ایادی خود نتوانسته است به تحدی و مبارزه‌طلبی آن پاسخ دهد. خدا قرآن را با اسامی و یا صفاتی نام برده که هر کدام از آن‌ها، وجهی از اعجاز و ویژگی‌های منحصر به فرد آن را معرفی می‌کند. یکی از نام‌های قرآن "شفا" است که بر قلب انسان اثر می‌گذارد و آن

را از بیماری‌های روان در امان نگه می‌دارد. «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (اسراء/۸۲). و از قرآن، آن‌چه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید. حفظ قرآن نیز در روایات مختلفی سفارش شده است. به عنوان نمونه، پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «حَمَلَةُ الْقُرْآنِ هُمُ الْمَحْفُوفُونَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ» (نوری الطبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۵۶) یعنی حافظان قرآن مشمول رحمت خدا هستند.

ذکر خدا: یاد خدا از زیباترین و بهترین جلوه‌های عبودیت، و اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین طریق بندگی و سلوک الی الله است. اگر یاد خدا در رفتار و زندگی آدمی طلوع کند، آثار ارزشمندی از خود به جای می‌گذارد؛ هم‌چنان که غفلت از آن نیز سبب بروز آثار زیانباری می‌گردد. قرآن، چه زیبا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون/۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نکنند؛ که هرکس چنین کند، زیان‌کار است. ذکر خدا از اساسی‌ترین عوامل سعادت و کمال‌یابی انسان است. یاد خدا کلید فضیلت‌های اخلاقی و عنصر اصلی تمام خوبی‌هاست. اگر آدمی همواره به یاد خدا باشد، دیگر خطا و گناهی از او سر نخواهد زد. یاد و ذکر خداوند مایه هر خیر و نیکی و عامل اصلی پرهیز از فحشا و منکرات است. ذکر خداوند آرامش قلب و وارستگی از دنیا و مادیات را به ارمغان می‌آورد. سلامت قلب، ایجاد بصیرت، خودیابی، چیرگی بر نگرانی‌ها، احساس مسؤولیت در جامعه، امداد الهی و دفع بلا، برخی از پیامدهای فردی و اجتماعی ذکر خدا و توجه به ذات الهی است. در مقابل، غفلت از ذات احدیت، انسان را به گمراهی

می‌کشاند و خودفراموشی، سنگ‌دلی، حسرت در قیامت، سست‌شدن بنیان خانواده و فروپاشی جامعه، برخی از پیامدهای منفی غفلت از خداوند است. سکون و آرامش اهل ایمان، در پرتو یاد خداوند تحقق می‌یابد و غفلت از آن، تلخ‌کامی در زندگی دنیایی و حسرت را در روز واپسین به دنبال دارد.

"ذکر" یکی از واژگان مورد استفاده قرآن در حوزه وحی و کتب آسمانی است که به همراه مشتقاتش به تناسب مضامین و مفاهیم آیات ۲۹۲ بار (۲۰۸ بار در آیات مکی و ۸۴ بار در آیات مدنی) به کار رفته است (روحانی، ۱، ۱۳۷۲ / ۴۳۱). ذکر در ادبیات قرآنی به معنی یاد کردن، فراموش نشدن، بیان و یا به زبان آوردن برخی الفاظ رسیده از ناحیه دین است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۵۸).

دعا: فیلسوفان مسلمان، انسان را دارای دو ساحت می‌دانند؛ نخست، نفس و دوم بدن است؛ همان‌گونه که بدن انسان نیاز به غذا، حفظ و نگهداری دارد، روح انسان هم نیاز به حفظ و بالندگی دارد، غذاهای مختلفی برای روح در نظر گرفته شده که شاید یکی از اساسی‌ترین آن‌ها دعا است. دعا جدا از آن‌که در آرامش روح نقش به‌سزایی دارد، در تربیت آن نیز بسیار مؤثر است. در واقع، از آن‌جا که انسان یک موجود فرامادی است و برای ادامه بقای خویش و نیفتادن در چنگال پوچی، بی‌هدفی و کم‌رنگ نشدن ارزش‌های معنوی میل به خداجویی، کمال‌یابی و احساس دین‌گرایی دارد. از همین‌رو، دقیقاً بشر قرن بیست‌ویک به دنبال چنین گم‌شده‌ای می‌گردد؛ از این‌رو در بُعد معنوی آن در تلاش و کوشش است تا با همه ابزار و وسایل مشروع، این میل و احساس خود را اقناع کند و چشم‌ها و چشمه‌هایی را به سوی معشوق بگشاید؛ دعا بهترین راه و وسیله‌ای است که آن مهم را سامان می‌بخشد، یعنی انسان را با کمال مطلق پیوند می‌زند و با او ارتباط ایجاد می‌کند؛ برقراری ارتباط با منبع و

سرچشمه هستی و استمداد از او به ترمیم قوای روحی انسان کمک نموده و باعث تسکین بسیاری از گرفتاری‌ها و رنجوری‌های روحی- روانی می‌شود؛ از این رو برقراری ارتباط با خدا را برای انسان همانند آب ضروری دانسته‌اند. دعا و نیایش از جمله راه‌های ذکر و ارتباط با منشأ هستی و پیوند انسان با خدای یکتا بوده و موجب پرواز روح به سوی ملکوت و فضای معطر معنوی و عرفانی می‌شود و در ضمن دارای اثرات مطلوب و بسیار ارزشمند روحی، روانی تربیتی است که حتی دانشمندان علوم جدید نیز مکرراً به آثار مفید آن در بهداشت و سلامت جسمی اعتراف نموده‌اند (ابراهیمی ۱۳۹۱: ۲۵). در مفهوم دعا، خواستن و طلب هم مستتر است، چنان‌چه در مورد حقیقت دعا باید گفت که آن خواستن چیزی است به وسیله موجود پست‌تر، از موجود برتر، به جهت فروتنی و درماندگی (ملکی تبریزی ۱۳۶۲: ۱۳۹). دعا یعنی توسل به خداوند، و فایده‌ای که دارد این است که این وجود متناهی به وجود نامتناهی وصل می‌شود و انسان، خداوند را وکیل می‌گیرد (اعوانی، ۱۳۸۰: ۳۱). روح انسان جزئی از عالم وجود است. پس، اگر واقعاً خواهش و احتیاجی در وجودش پیدا شود، دستگاه عظیم خلقت او را مهمل نمی‌گذارد. همان‌طور که تمام اعضا و جوارح، در صورت پیدایش احتیاجی در یک نقطه از بدن، شروع به فعالیت می‌کنند، در دعا هم باید حقیقتاً احتیاج در وجود انسان پدید آید (مطهری، ۱۳۷۶: ۳۶۷).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش حاضر در حوزه الزامات اعتقادی کارکنان ناجا و سلامت معنوی به منظور تحقق جامعه اسلامی یافته‌های زیر قابل استنتاج است:

- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نهادها و دستگاه‌های نظامی جایگاه مهمی در نظام و جامعه اسلامی داشته و به دلیل ارتباط نزدیک و

روزمره با مردم و کارویژه‌های مهمی که در رابطه با نیازهای حیاتی مردم، یعنی "برقراری امنیت داخلی و استقرار نظم و قانون" دارند، نقش مهمی در ایجاد و ساختن کشور اسلامی مدنظر مقام معظم رهبری دارند. رفتار و منش کارکنان ناجا، مبین چهره و تصویر جامعه اسلامی است و می‌تواند نظرها را به سوی این جامعه جلب کند یا از آن دور سازد و هر رفتاری از آن‌ها جاری و ساری شود، به حساب نظام و حاکمیت گذاشته می‌شود. برای تحقق هر یک از مراحل و گام‌های پنج‌گانه نقشه راه انقلاب اسلامی، الزاماتی وجود دارد که خاص آن مرحله است. به‌طور طبیعی، مرحله چهارم از نقشه راه انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد کشور اسلامی نیز شاخص‌ها و ویژگی‌هایی دارد که تحقق کشور اسلامی منوط به ایجاد آن شاخص‌ها و ویژگی‌ها در کارگزاران حکومتی، از جمله در فرماندهان و آحاد کارکنان نیروهای مسلح از جمله کارکنان ناجا است. یکی از آن ویژگی‌ها و الزامات، الزامات اعتقادی کارکنان ناجا است که می‌تواند به تحقق کشور اسلامی کمک کند. الزاماتی مانند (ایمان به خدا، تقوا، معاد باوری، تلاوت قرآن، ذکر، دعا و...).

- یاد خدا مایه آرامش جان، تقوا و شهادت است و فراموش کردن او مایه اضطراب و ترس و نگرانی است. بنابراین، ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می‌کند و موجب اضطراب و حسرت می‌شود، هر چند فرد از مزایای مادی خوبی برخوردار باشد.

- سلامت معنوی، یکی از ابعاد جدایی‌ناپذیر سلامت آدمی است که فقط در ارتباط با خدای متعال قابل دستیابی است.

پیشنهادها

- ۱- تدوین نقشه جامع مهندسی کشور اسلامی: با توجه به متغیرها والزامات فراوان دخیل در ایجاد یک کشور اسلامی تدوین نقشه جامع مهندسی جامعه اسلامی مبتنی بر مبانی انسان شناختی اسلام یک ضرورت است.
- ۲- تدوین و ترسیم راهبردهای کلان تربیت انسان متعالی با بهره‌گیری از معارف ناب الهی به منظور هدفدار کردن برنامه‌های تربیتی.
- ۳- تدوین "سند راهبردی" درونی کردن ارزش‌های دینی در ناجا. در نهایت، پیشنهاد می‌شود: برای گسترش فرهنگ قرآنی در میان کارکنان ناجا لازم است ستادی تحت عنوان "ستاد احیای فرهنگ قرآنی" زیر نظر فرماندهی نیرو و سازمان عقیدتی-سیاسی تشکیل شود.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آیت اللهی، سید محمد تقی (۱۳۷۰). کلیات بهداشت اسلامی. تهران: معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- ابراهیمی، حفیظ الله (۱۳۹۱). آثار تربیتی دعا و نیایش در قرآن کریم. سایت پژوهش.
- ابوالقاسمی، محمد جواد (۱۳۹۱) "مفهوم شناسی سلامت معنوی و گستره آن در نگرش دینی" مجله اخلاق پزشکی، شماره ۲۰.
- ابن فارس، ابی الحسن احمد (۱۴۰۴ه.ق). معجم مقاییس اللغة. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- اعوانی، غلامرضا (۱۳۸۰). فلسفه دعا از دیدگاه استاد جعفری. مجله علامه، شماره ۲.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیأت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه.ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم.
- روحانی، محمود (۱۳۷۲). المعجم الإحصایی لألفاظ القرآن کریم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حرعاملی، محمد بن حسین (۱۱۰۴ ه.ق). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- خمینی، روح... (۱۳۶۸). تحریر الوسیله. نجف: مطبعه الآداب.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. چاپ اول. قم: مؤسسه انتشارات مشهور.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سبحانی، جلال (۱۳۸۸). تأملی بر نسبت میان زیبایی، لذت، و نماز. نشریه تماس با نماز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، سال دوم، شماره دوم.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۳۶۱). معانی الأخبار. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- عزیزی، فریدون و همکاران (۱۳۹۳). سلامت معنوی، چیستی، چرایی و چگونگی. تهران: انتشارات حقوقی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ ق). مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: المكتبة الحیدریه چاپ دوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۱). حیات پس از مرگ. قم: آزادی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۶). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۵). شیعه در اسلام. قم: واریان.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۰). فراهایی از اسلام. قم: جهان آرا.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). واژه شناسی قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میرتاج الدینی، سیدمحمد رضا (۱۳۷۴). اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام. چاپ اول، قم: بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). بیست گفتار، تهران: صدرا، چاپ دهم.
- ملکی تبریزی، میرزا جواد (۱۳۶۲). المراقبات. ترجمه تحریرچی، قم: انتشارات عروج.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- نظری زاده، مرضیه، خلیلیان، محسن خلیلیان (۱۳۹۷). "تأثیر رسانه در مقبولیت و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه" فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیست و چهارم، شماره ۱.
- مولوی، محمد (۱۳۹۵). "پیامدسنجی ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه با تأکید بر دیدگاه امام علی (ع)" نشریه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۳.